

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نورالله وثوق
۲۰/۴/۱۳۸۸

برج زهر مار

چنگ استقلال

چنان در بحر شب سیال گشتیم
که موج بردگی را بال گشتیم
سر و کاری به آزادی نداریم
خلاص از چنگ استقلال گشتیم

تخم آتش

به هر بازیگری سمپات گشتیم
ز کشت تخم آتش مات گشتیم
چرا بُردی برای زندگی نیست؟
چسان از رنگ هستی کات گشتیم؟

دید اندیشه

ز ریشه جز جفا پیشه ندارند
و یا از تخم دل ریشه ندارند
تجبر را چنان همسنگرانند
که تاب دید اندیشه ندارند

سؤال

درین کوچه امید بی غمی کو
زیادی جنایت را کمی کو
ازین اهریمنان دارم سؤالی
شما کو و نشان آدمی کو

سلطان ندا

نماد رویش سبز شمائیم
به رمز وراز هستی آشنائیم
سری در خطه فریاد ما زن
که سلطان سرافراز ندانیم

برج زهر مار

نشان چهل و تمثال شرارند
بروی گردن دل بار بارند
خدائی حال مردم را گرفتند
مگر تصویر برج زهر مارند

جاده اندیشه

بیا تا گوش خود را کر نسازیم
برای رهنان سنگر نسازیم
دو چشم جاده اندیشه ها را
ز خون بیگناهان تر نسازیم

آتش و خاکستر

بیا تا ناکسان سنگر نسازند
ز خون ما جهان را تر نسازند
بیا تا آتشی سوزنده گردیم
که ما را خاک و خاکستر نسازند

صدای نارسا

دل این کودکان آئینه رنگ است
نگاه تک تک اینان قشنگ است
وللی دردا میان سینه ما
صدای نارسای سیل سنگ است

بنیاد باد

ز هوی دیگران مغرور گردی
به هر سو وز وز ناجور گردی
اگر بنیاد باد از پا درآمد
هم آغوش کدامین گور گردی

بادار جفا

چه کردی با دل شادِ محبت؟
زدی آتش به بنیادِ محبت
غلام دستِ آن فکرم که گیرد
ز بادارِ جفا دادِ محبت
